

نقد کتاب

مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان

ياسر ملك‌زاده*

سرور خراشادی**

چکیده

این مقاله در نقد کتاب مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان که ترجمه پایان‌نامه ارشدی است *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD 220* با تطبیق اصل انگلیسی اثر و ترجمه فارسی آن به بررسی محتوا و ترجمه کتاب پرداخته است. نویسنده با بررسی اقدامات نظامی امپراتوران دوره‌های مختلف روم از ۷۰ ق.م تا ۲۰۰ م. تلاش کرده است با مقایسه نظریات مختلف درباره سیاست خارجی رومیان در مناطق شرقی، مناقشات سیاسی و خصوصاً نظامی که بین رومیان و اشکانیان طی این دوره‌ها درگرفته است، به بازشناسی تصویری پردازد که رومیان از اشکانیان ارائه داده‌اند و از این رهگذر، انگیزه‌های رومیان را از نمایاندن اشکانیان به عنوان دشمن شرقی روم بررسی نماید. گرچه نویسنده دست به انتخاب موضوع بسیار مهمی زده است اما اثری درجه یک از آب درنیامده است. در این زمینه آثار مهم و شاخصی در مغرب‌زمین انتشار یافته است که این اثر در قیاس با آنها دارای کاستی‌های فراوانی است و ترجمه آن نیز از چنان ضعف مشهودی برخوردار است که بهتر می‌بود هم

* دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران،
yasermalekzadeh@yahoo.com

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول)، s.khorashadi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

کتاب مناسب‌تری برای ترجمه انتخاب می‌شد و هم مترجمان آن دقت نظر بیشتری به‌خرج می‌دادند.

کلیدواژه‌ها: رومیان، اشکانیان، پایان‌نامه ارشد جان جوزف پوارو، ترجمه.

۱. مقدمه

از میانه حکومت اشکانیان و به طور دقیق زمان حکومت مهرداد دوم اشکانی (۱۲۱-۹۱ ق.م) رومیان در شرق امپراتوری با اشکانیان همسایه شدند. پس از مناقشات و مجادلات سیاسی و برخوردهای نظامی محدود در زمان حکومت ارد دوم (۳۷-۵۷ ق.م)، پادشاه اشکانی که همزمان با حکومت سه‌گانه امپراتوران رومی یعنی کراسوس در شرق، سزار در گل و پمپه در اسپانیا بود، جنگ کاره (حران)^۱ که به قتل‌عام نظامیان رومی و کشته‌شدن امپراتور کراسوس انجامید به رومیان فهماند که به دیوار دفاعی سختی برخورد کرده‌اند. از این زمان گفتمانی در روم درگرفت که به بررسی دلایل شکست از اشکانیان و نحوه برخورد با آنان چه از نظر سیاسی و چه نظامی می‌پرداخت. از همان زمان نظریاتی در این زمینه مطرح شد که در نوشته‌های نویسندگان کلاسیک آن دوران از نامه‌های سیاسی و متون تاریخی گرفته تا متن‌های ادبی، نقوش مدال‌ها و کتیبه‌های یادبود انعکاس یافت. در قرون اخیر برخی محققان تلاش کرده‌اند با بررسی این گزارش‌ها و متون، تصویری روشن‌تر از تصوّر اقشار مختلف روم از مردم عادی گرفته تا نخبگان ادبی و سیاسی رومی و همچنین امپراتوران و سرداران نسبت به مسئله شرق و لزوم مقابله یا مصالحه با اشکانیان ارائه دهند. سپس‌تر این محققان تلاش کرده‌اند تا با بررسی برآیند نظریات مذکور در متون موجود به این پرسش‌ها پاسخ دهند که اولاً انگیزه قشر نخبه روم از ارائه تصویر اشکانیان به عنوان یک تهدید برای امپراتوری روم چه بوده است و در ثانی آیا این تصویرسازی به عنوان ابزار تبلیغاتی استفاده می‌شد؟ و اگر چنین بود در راستای کدام راهبرد سیاسی انجام می‌گرفت و به کدام ایدئولوژی سیاسی رومی در مسئله تقابل با شرق در دوره‌های مختلف انجامید؟

۲. متن اصلی

۱,۲ معرفی کلی اثر

شناسه کتاب بر روی جلد چنین آمده است: مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان، نویسنده: «ژوزف پوپریت» مترجمان: رضا قاسمی و رضوان رضایی. در صفحه اول کتاب، نویسنده جان جوزف پوپریت و عنوان کتاب به صورت «مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان از ۷۰ پیش از میلاد تا ۲۲۰ میلادی» و در صفحه شناسه کتاب، نویسنده جان ژوزف پوپریت معرفی شده است. ناشر: نشر سمیرا، موضوع: تاریخ ایران باستان (دوره اشکانی)، چاپ اول ۱۳۹۶، تیراژ ۱۰۰۰، قیمت ۸۰۰۰ تومان، جلد: شومیز، قطع: وزیری (۱۷×۲۴)، نوع کاغذ: تحریر، تعداد صفحات از صفحه عنوان تا آخرین صفحه کتاب: ۱۰۶ صفحه. اصل انگلیسی کتاب در صفحه شناسه به شکل *Perceptions of Classical Armenia: Romano-Parthian Relations, 70 BC-AD 220* معرفی شده است. عنوان لاتین این ترجمه در پشت جلد چنین است: *Observation of Ancient Armenia and Relations with the Parthians and Romans* این دومی ترجمه‌ای ویژه‌واژه از عنوان فارسی اثر به زبان انگلیسی است. در پیشگفتار کتاب، مترجمان «جان جوزف پوپریت پژوهشگر لهستانی» را نویسنده کتاب «پیش رو» معرفی کرده‌اند (صفحه ۵).

اصل انگلیسی اثر که با یک مقدمه و چکیده آغاز می‌شود دارای سه فصل است. عناوین فصل اول عبارتست از: ۱. منشاء درگیری پارتیان و رومیان *Origins of the Romano-Parthian Conflict*. ۲. پارت و ارمنستان در دوره حکومت یولیانی و کلودیانی *Parthia and Trajan's Armenia under the Julio-Claudian Emperors*. ۳. اردوکشی تریانوس به پارت *Parthian Campaign*. ذیل عنوان هر فصل توضیحاتی در چند صفحه ارائه و سپس بخش‌های آن فصل نوشته شده است. در ترجمه فارسی، فصل‌ها عنوان ندارند و مترجمان، عناوین فصل‌ها و توضیحاتشان را به عنوان یک بخش از هر فصل در کتاب خود آورده‌اند. بخش اول فصل اول با عنوان ریشه جنگ روم و اشکانیان، بخش اول فصل دوم با عنوان اشکانیان و ارمنستان در دوره ژولیو کلودیان و بخش اول فصل سوم^۳ با عنوان اوپتموس پرینسیپس^۴ آمده است. در اصل انگلیسی اثر عناوین بخش‌های فصل اول عبارتست از: ۱. نقد منابع (Review of Literature) ۲. گنجینه و ثروت (Luxuria et Avaritia) ۳. خاندان و سرزمین اجدادی (Gens et Patria) ۴. لوسیوس لیسینیوس لوکولوس (Lucius Licinius

۵. گنایوس پمپیوس بزرگ (Gnaeus Pompeius Magnus) ۶. مارکوس لیسینیوس کراسوس و مارکوس آنتونیوس (Marcus Licinius Crassus and Mark Antony) و ۷. نتیجه (Conclusion). در ترجمه کتاب، فصل اول به بخش‌های ۱. ریشه جنگ روم و اشکانیان ۲. مطالعه و بررسی نوشته‌ها ۳. خانواده و وطن در روم ۴. لوسینیوس لوکولوس و ۵. نتیجه‌گیری تقسیم شده است. عنوان بخش دوم متن اصلی «گنجینه و ثروت» در ترجمه حذف شده و در دنباله بخش «مطالعه و بررسی نوشته‌ها» آمده است؛ در واقع دو بخش ذیل یک عنوان قرار گرفته است. بخش سوم از فصل اول در متن انگلیسی یعنی «خانواده و وطن در روم»، در ترجمه فارسی در بخش دوم آمده است. بخش‌های ۴، ۵ و ۶ متن اصلی نیز در ترجمه به دنبال هم و ذیل عنوان «لوسینیوس لوکولوس» قرار گرفته است. در این بخش تاریخچه لشکرکشی‌ها و روابط امپراتوران روم از لوکولوس تا مارکوس آنتونیوس بررسی شده است و در نهایت در بخش چهارم ترجمه فصل اول که همان بخش هفتم متن اصلی است، نتیجه بحث آمده است.

فصل دوم در متن اصلی ۶ قسمت دارد: ۱. پارت در ادبیات رومی (Parthia in Roman Literature) ۲. قیصر آگوستوس (Caesar Augustus) ۳. تیریوس (Tiberius) ۴. کالیگولا و کلودیوس (Caligula and Claudius) ۵. نرو (Nero) ۶. نتیجه (Conclusion). در ترجمه، این فصول چنین آمده‌اند: ۱. اشکانیان و ارمنستان در دوره ژولیو کلودیان ۲. متون تاریخی درباره اشکانیان و رومیان ۳. سزار آگوستوس ۴. تیریوس ۵. کالیگولا و کلودیوس ۶. نرو ۷. نتیجه‌گیری.

فصل سوم در متن اصلی شامل چهار بخش است: ۱. اوپتیموس پرنسپس ۲. مبحث مقدماتی (The Case for Premeditation) ۳. سقوط اشکانیان (The Fall of the Arsacids) ۴. نتیجه (Conclusion). در ترجمه، عناوین فصول چنین است: ۱. اوپتیموس پرنسپس ۲. سقوط اشکانیان. در این جا هم خبری از عنوان فصل «اردوکشی تریانوس به پارت» نیست و مترجمان ترجیح داده‌اند این عنوان را حذف کرده و توضیحات ذیل آن را در دنباله نتیجه فصل دوم بیاورند.

در پایان هم متن انگلیسی با یک سخن پایانی فهرست منابع، دو ضمیمه شامل: ۱. فهرست پادشاهان ارمنستان، پادشاهان اشکانی و امپراتوران روم ۲. نقشه‌ها و نهایتاً بیوگرافی کوتاه از نویسنده اثر به پایان می‌رسد.

۲,۲ نقد و تحلیل خاستگاه اثر

با یک جستجوی ساده در اینترنت و وارد کردن چند کلمه نخست عنوان لاتین اثر ترجمه شده می‌توان دریافت که این اثر یک پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد است. این پایان‌نامه در سال ۲۰۰۳ میلادی در دانشگاه ایالتی لوئیزیانا در امریکا دفاع شده است. نام دانشجو جان جوزف پوارو است. در صفحه پایانی این پایان‌نامه که فایل پی‌دی‌اف آن از سایت دانشگاه لوئیزیانا (Louisiana) قابل دانلود است^۵ آمده است که این دانشجو اهل لافایت^۶ لوئیزیانا بوده و مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه جنوب‌غربی لوئیزیانا در سال ۲۰۰۰ دریافت کرده است (The University of Southwestern Louisiana). او سپس موفق به اخذ مدرک کارشناسی‌ارشد در سال ۲۰۰۳ در رشته تاریخ از دانشگاه ایالتی لوئیزیانا شده است (Poirot, 2003: 85). این پایان‌نامه هرگز تبدیل به کتاب نگردید. مترجمان، در حالی نویسنده را پژوهشگر لهستانی معرفی کرده‌اند که در هیچ کجای این پایان‌نامه چنین چیزی درج نشده است. با وجود این که با توجه به تأکید پایان‌نامه‌موظفیم این شخص را امریکایی بدانیم و او را جان جوزف بنامیم اما نام خانوادگی اش حاکی از ریشه زبانی فرانسوی اجداد اوست. نام خانوادگی این نویسنده یادآور پوارو (Hercule Poirot) کارآگاه بلژیکی مشهور سری رمان‌های جنایی آگاتا کریستی (Agatha Christie) (۱۸۹۰-۱۹۷۶) نویسنده مشهور انگلیسی است. چنانچه مترجمان تلاش داشته‌اند که منشاء اجدادی این نویسنده را به ما بنمایانند قاعدتاً بایستی یکی از کشورهای فرانسه‌زبان را به عنوان ملیت (اجداد) نویسنده معرفی می‌کردند؛ در حالی که لهستان کشوری با فرهنگ و زبان فرانسوی نیست. برای اطمینان خاطر مکاتبه‌ای با اولبریخت (Marek Jan Olbrycht) پژوهشگر لهستانی در حوزه تاریخ و فرهنگ دوره اسکندر، سلوکیان و اشکانیان داشتیم. وی به صراحت خبر لهستانی بودن این نویسنده را مردود دانست و تأکید نمود که نویسنده اثر اهل امریکاست.^۷ پوارو در سال ۲۰۱۴ از رساله دکتری اش با عنوان جنگ سرد رومی-پارتی: سیاست خارجی یولیوس کلودیان در سده اول میلادی و سالنامه‌های تاکیتوس در رشته تاریخ گرایش دوران کلاسیک در همان دانشگاه دفاع کرد. قرار بر این بود که رساله نیز تقریباً حول همان موضوع کارشناسی‌ارشد ولی در یک دوره زمانی محدودتری سامان یابد. هر چند بررسی جزئیات این رساله مورد بحث ما نیست ولی به دیده انصاف رساله دکتری دقیق‌تر، عالمانه‌تر و مفصل‌تر از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد به‌نگارش درآمده است؛ هر چند همان نتایج کلی که در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده

قید شده‌است در نتیجه‌گیری رساله دکتری نیز تکرار می‌شود.^۸ طبق آنچه که در پایان این رساله (Poirot, 2014: 310) آمده است پوارو از سال ۲۰۱۴ ساکن نیواورلئان در ایالت لوس‌آنجلس (New Orleans, LA) بوده و در همان شهر شاغل است.^۹

پیشتر در پایان قرن ۱۹ مورخ برجسته حوزه مطالعات یونان و روم ثئودور ممزن (Mommsen, 1903: 520-522)، و بعد از او تنی فرانک (Frank, 1925: 8-9) نظریه تدافعی روم را مطرح کرده بودند. بر اساس این نظریه گسترش ارضی رومیان محصول واکنش آنان به تهاجم و تهدید خارجی بود. در دهه هشتاد قرن بیستم نظریه‌ای از سوی ادوارد لوتواک مطرح شد که طبق آن انگاره ایده یکتا و مستمر وجود یک امپریالیسم با شعار دفاع از مرزهای روم از سوی رومیان در روابطشان با شرق نادرست دانسته شد. او در عوض، تاریخ روابط روم و شرق را به سه مرحله متفاوت تقسیم کرد. دوره یولیانی و کلودیانی که در آن دولت‌های دست‌نشانده در شرق پدید آمدند و رومیان راهبرد تهاجمی داشتند. دوره فلاویانی و آنتونیانی که در آن موضوع مرزهای موقت مطرح بود و مرزها پیاپی در حال تغییر بودند و مرحله سوم که به اواخر دوره اشکانی و اوایل ساسانی مربوط می‌شد که رومیان در آن راهبردی کاملاً دفاعی در پیش گرفتند (Luttwak, 1976: 1-7). ویلیام هریس به‌طور قاطعانه‌تری با نظریه کلی‌نگر راهبرد دفاعی رومی نسبت به شرق مخالف و ورزید و معتقد بود که انگیزه‌های اقتصادی و وسوسه ثروت و شهرت، امپراتوران روم را به جنگ‌طلبی برمی‌انگیخت (Harris, 1979: 105-130). از اواخر دهه هشتاد قرن بیستم آثاری با هدف به آزمون گذاشتن نظریه لوتواک و تقویت یا رد برخی جزئیات این نظریه منتشر شد. مهم‌ترین انتقاد به نظریه لوتواک به مسئله مرز و مفهوم آن مربوط می‌شد. طبق نظریه لوتواک دفاع از مرزهای روم دلیل تهاجم رومیان به همسایگانشان بود. اما آیا مرز در دوره روم باستان معنا و مفهوم امروزی خود را داشت؟ مهم‌ترین منتقدان در این زمینه بنجامین آیزاک (Benjamin Isaac) و سوزان مترین (Susan Mattern) هستند. آیزاک با تحقیق درباره مرزهای شرقی روم با این استدلال که مرزهای خط‌کشی‌شده دقیقی در آن دوران وجود نداشته است وجود چنین مفهومی را برای آن زمان رد کرد. از نظر او در شرق امپراتوری روم پادگان‌ها نه در خطوط مرزی خیالی بلکه در مراکز شهری استان‌های شرقی استقرار داشتند؛ زیرا استقرار در مراکز شهری موجب می‌شد که در صورت وقوع جنگ هم از نظر پشتیبانی و هم وصول مالیات برای مدیریت جنگ نسبت به زمانی که پادگان‌ها در مناطق مرزی بیابانی بی‌آب و علف بودند، وضعیت مناسبی به وجود آید (Isaac, 1990: 3-5, 43-45, 385-386).

از سوی دیگر، سوزان مترن معتقد بود که منابع بیش از این که از درگیری‌های مرزی بین رومیان با کشورها و پادشاهانشان نشانی داشته باشند از درگیری رومیان با اقوام و قبایل سخن به میان آورده‌اند. لوحه پویتینگر (*Tabula Peutingeriana*) نیز که اکنون در دست ماست به عنوان یک نقشه جاده‌های رومی (*an itinerarium pictum or a periplus*) که حفاصل شهرهای رومی در حوزه دریای مدیترانه را نشان می‌دهد، قابل استناد نیست؛ چراکه توسط بازرگانان ترسیم شده است و رومیان برای تعیین مرز بین خود و همسایگان از چنین نقشه‌هایی جهت روشن کردن حدود دقیق مرزها برای استناد در مناقشات استفاده نمی‌کرده‌اند (Mattern, 1999: 1-3, 21-23, 24-26, 42-43). اثر پوارو محصول این موج فکری است که در دهه آخر قرن بیستم و اول قرن بیست و یکم درباره روابط خارجی روم و شرق به راه افتاده بود.

۳,۲ علت انتخاب اثر

مترجمان فارسی معتقدند که نویسنده «کتاب پیش‌رو... با دیدگاهی نو روابط اشکانیان و رومیان را بررسی کرده که در این میان ارمنستان نقشی کلیدی را ایفا نموده است و عامل اصلی جنگ افروزی میان این دو امپراتوری بزرگ باستان معرفی شده است. همچنین نویسنده کتاب با نقد و بررسی روشمند نظریه مورخان و محققان کلاسیک و معاصر سعی بر اثبات موضع هجومی روم به ارمنستان و آسیا کرده و دیدگاه مشهور استفاده ارمنستان به عنوان سپر دفاعی در مقابل اشکانیان را مطرود می‌داند. از سوی دیگر، نویسنده کتاب به صورت جداگانه وقایع تاریخی مهم هر امپراتور را ذکر کرده و انگیزه‌های اصلی آنان از حمله به مشرق‌زمین را روشن ساخته است. عوامل مذکور و شیوه جدید پژوهش علت اصلی انتخاب و ترجمه کتاب بوده» (صفحات ۶-۵). چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد اثر، پایان‌نامه‌ای است که در سال ۲۰۰۳ دفاع شده ولی هرگز تبدیل به کتاب نشده است. هرچند دیدگاه نویسنده نو است؛ اما این دیدگاه منحصر به وی نیست. به عبارت دیگر، نگاه به رومیان به عنوان متجاوز و امپریالیست در روابطشان با اشکانیان مدت‌ها پیش از پوارو وجود داشته است. آثار غربی شاخصی در این زمینه تاکنون چاپ و منتشر شده است که پایان‌نامه پوارو در مقایسه با آنها اثری درجه دو و ضعیف محسوب می‌شود؛ اما نظر به این که نخستین اثری است که با این مضمون به فارسی ترجمه شده است، کتاب مهمی محسوب می‌شود. به بیانی دیگر، این پایان‌نامه در غرب چندان اثر مهمی نبوده و نیست اما

ترجمه‌شدنش به فارسی بدان اهمیت بخشیده است؛ زیرا نخستین اثر غربی مستقل درباره دیدگاه رومیان به اشکانیان است که نگاشته و به فارسی نیز ترجمه شده است.^{۱۰} لذا دلیل انتخاب این کتاب برای نقد در وهله نخست جایگاهی است که این ترجمه در تاریخ مطالعات اشکانی در ایران پیدا کرده است و دوم، لزوم نقد ترجمه فارسی این اثر و آثاری از این دست است.

۴,۲ نقد شکلی اثر

نظر به این که پایان‌نامه به زبان انگلیسی نوشته شده است، بررسی ایرادهای نگارشی و ویرایشی آن در حوزه تخصص نگارندگان این سطور نیست؛ اما آنچه که مشهود است چندان از کتابشناسی قوی برخوردار نیست. غیر از نظریه لوتواک و هریس نظریات دیگری نیز وجود دارند که نویسنده به آن‌ها اشاره‌ای نکرده است. مهم‌ترین نظریه در این حوزه تقسیم استراتژی روابط رومی با شرق به دو دوره *Imitatio Helladis* و *Imitatio Alecandri* است (نک. Weippert, 1972: 65-68). طبق این فرضیه، رومیان در هنگام حمله، خود را وارث اسکندر و در هنگام دفاع، خود را وارث حکومت آتن در زمان جنگ‌های مادی می‌دانستند. بر این اساس از دوره معروف به آگوست‌ها این دیدگاه در میان رومیان پدید آمد که اشکانیان وارث هخامنشیان هستند (نک. Schneider, 1986: 19-30; 1998: 95). بر طبق این نظریه که خصوصاً سائابند حامی آن بود استراتژی رومی نسبت به شرق به دو دوره قبل و بعد از آگوست تقسیم می‌شد. تا پیش از عصر آگوست تلقی رومیان از شرق یعنی آن سوی رود فرات جایی بود ثروتمند با سرزمین‌هایی غنی که تصرف آن سود سرشاری برای رومیان به همراه می‌آورد؛ اما اطلاعات زیادی از مردمان ساکن در این سرزمین‌ها وجود نداشت (Sonnabend, 1986: 162,167-). بعد از جنگ حران و به خصوص از دوره آگوست اطلاعات از اشکانیان بیشتر شد؛ اما این اطلاعات بر پایه مقایسه این مردمان با هخامنشیان و بر اساس متون یونانی شکل گرفته بود که در آن شرقیان مردمانی تن‌پرور و ثروتمند تلقی می‌شدند (Sonnabend, 1986: 198-199). رومیان به مثابه جانشینان اسکندر بودند که تلاش داشتند شرق و ثروت آن را به دست بیاورند (Kienast, 1969: 430-456). به طور رسمی قیصر آگوست برای اولین بار این نظر که جهان به دو امپراتوری شرقی و غربی تقسیم می‌شود و در آن تجاوز به حریم هرکدام جز زیان فایده‌ای ندارد را مطرح کرده است (Sonnabend, 1986: 202-203). در زمان

آگوست تلقی رومیان از اشکانیان به مثابه مردمان متجاوزی همچون هخامنشیان بود که در اندیشه تصرف یونان بودند (Spawforth, 1994: 237-243; Schneider 1998: 112-113). با وجود این که اندیشه جانشینی اسکندر در بین رومیان هنوز طرفدار داشت و محترم بود اما بعد از قرارداد صلح سال ۲۰ ق.م بین اشکانیان و رومیان دیگر تبلیغ جانشینی اسکندر و جهان‌گشایی معنایی نداشت (Kienast, 1969: 453). به جز نظریات مطرح شده که در اثر پوارو مفقود است به آثار محققان دیگری چون آرناد (Arnaud, 1993)، بوئرساک (Bowersock, 1984)، برول (Bruhl, 1930)، چائوشسکو (Ceaujcsu, 1974)، فرزو (Frezouls, 1995)، لایتفوت (Lightfoot, 1990)، ویلر (Wheeler, 1991; 1997; 2002)، ورتاکر (Whirtaker, 1996)، و ورث (Wirth, 1975; 1980-81) در این زمینه باید اشاره کرد که در پایان‌نامه پوارو اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود. شایان ذکر است که پس از انتشار پایان‌نامه پوارو، آثار مهم دیگری در این زمینه منتشر شده است که از حیطة این گفتار خارج است.

ترجمه فارسی اثر دارای ضعف‌های بسیار مشهودی است. مترجمان نه از اطلاعات تاریخی لازم برخوردارند و نه تلفظ درست نام برخی محققان اشکانی‌شناس را می‌دانند. برای نام‌های خاص هیچ حروف‌نویسی لاتینی در پانویس نیامده است که خواننده بتواند با شکل لاتین نام آشنا شود. جنگ‌های مهرداد (Mithridatic Wars) را «جنگ میتریادیک» (ص. ۱۳، ۲۶) ترجمه کرده‌اند. عنوان لاتینی متن «راهنامه دریای اریتره» (*Periplus Maris Erythraei*) را با تصور این که نام یک شخص است به شکل «پریپلوس ماری اریترایی» (ص. ۲۱) ذکر کرده‌اند. از نام مکان‌های جغرافیایی، کلخیس (Colchis) را «کلچیس» (ص. ۲۸)، فرات (Euphrates) را «یوفرتیز»، اسورستان (Assyria) را «آسیریا» (ص. ۷۳)، ماوراء قفقاز^{۱۱} را «ترانس در قفقاز» (ص. ۵۷)، بیتونیا را «بایتینی» (ص. ۷۶)، از نام اقوام و قبایل، کلخیدی‌ها (Colchians) را «کولکیانس» (ص. ۷۰)، ایبری‌ها را «ایبریانس» (ص. ۵۶)، سارمات‌ها (Sarmatians) را «سارماتین»، قبیله ساکن ماوراء قفقاز (the Trans-Caucasian tribe) را «قبیله ترانس» (ص. ۵۶) و از نام افراد، دویواز (Debevoise) را «دیبوس» (ص. ۳۸، ۷۰، ۷۳، ۸۴) دبه ویت (ص. ۳۹)، دیوسیوس (ص. ۵۰) و شاعران دوره آگوستی (Augustan poets) را «اکستان شاعر» آورده‌اند. ایرادهای املائی نیز کم نیست؛ به گونه‌ای که پمپیوس را «پمپیوس» (ص. ۲۵)، اوپاتور (Eupator) را «سیوپاتور» (ص. ۲۶) داخلی را «داخی» (ص. ۴۵)، آرتاگیرا (Artagira) را «آرتامیرا» (ص. ۵۱) نگاشته‌اند.

۵,۲ نقد محتوایی اثر

پایان‌نامه با یک چکیده آغاز شده است که طبق آن می‌خواهد بازه زمانی قرن اول قبل از میلاد تا قرن سوم میلادی (به طور دقیق‌تر ۷۰ ق.م. تا ۲۲۰ م.) و روابط روم و پارت را مورد بررسی قرار دهد. قرار است نویسنده نشان دهد آن‌چه که برخی مورخان کلاسیک آورده‌اند و برخی محققان معاصر نیز تصدیق کرده‌اند توجه رومیان به شرق و ارمنستان و تصمیم به قرارداد ارمنستان به عنوان یک دولت پوشالی بین پارت و روم به دلیل ترس مردم روم از پارتیان نیست؛ بلکه علت آن شهوت به دست آوردن ثروت و شهرت توسط خود حاکمان رومی است. با این حال، نویسنده در این اثر به دوره‌های پیش و پس از دوره مورد پژوهش خود نیز می‌پردازد و به ویژه بدون اشاره به شواهد ادعا می‌کند که ظهور ساسانیان نتیجه سیاست‌های توسعه‌طلبانه رومیان بوده است (ص. ۷۶ متن اصلی و ص. ۹۴ ترجمه). در مقدمه نیز ارمنستان نه به عنوان سپر دفاعی رومیان در برابر حملات اشکانیان بلکه به عنوان صحنه نبرد قدرت بین دو امپراتوری اشکانی و روم معرفی می‌شود (ص. ۳ متن اصلی و ص. ۱۰ ترجمه).

در توضیحات فصل اول (۶-۴ متن اصلی و ۱۵-۱۳ ترجمه) نویسنده ابتدا تلاش می‌کند به منشاء اختلافات اشکانیان و رومیان بپردازد؛ اما در همان ابتدای کار ادعا می‌کند که گرچه برخی اوقات رومیان مورد تجاوز همسایگان بودند اما در بسیاری موارد ادعای تجاوز همسایگان تنها دستاویز و بهانه‌ای جهت تجاوز آنان به سرزمین‌های همسایه بود (ص. ۵ متن اصلی و ص. ۱۴ ترجمه).^{۱۲} اگر این مسئله تا بدین حد واضح و مبرهن است که در صفحه ۵ پایان‌نامه به آن اشاره می‌شود پس دیگر چه دلیلی برای نگاشتن یک پایان‌نامه ۸۵ صفحه‌ای جهت پرداختن به این موضوع وجود داشته است؟

بخش اول (۹-۶ متن اصلی و ۱۹-۱۵ ترجمه) این فصل به بررسی و نقد منابع درباره این موضوع می‌پردازد. در ترجمه، عنوان به فارسی «مطالعه و بررسی نوشته‌های کلاسیک» آمده است در حالی که این بخش به هیچ وجه موضوعش بررسی منابع کلاسیک نیست و همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد پوارو در این جا به بررسی و مقایسه نظریات محققان معاصر چون ممزن، فرانک، هریس، لوتواک، مترن و آیزاک پرداخته است.

در بخش سوم (۱۱-۹ متن اصلی و ۲۲-۱۹ ترجمه) فصل اول نویسنده تلاش دارد با آوردن شواهدی نشان دهد که تا چه حد ثروت سرزمین‌های شرقی و سوسه‌انگیز بوده است. به این ترتیب وجود چنین تلقی از شرق می‌توانست باعث شود که

حاکمان رومی به فکر به دست آوردن این ثروت‌ها و از آن طریق، رسیدن به شهرت و قدرت بیفتند.

در بخش چهارم فصل اول (۱۴-۱۱ متن اصلی و ۲۶-۲۳ ترجمه) نویسنده تلاش می‌کند میل به رسیدن به شهرت را یک اخلاق مقبول در طبقه اشراف رومی نشان دهد که ریشه عمیقی در میان رومیان داشته است. او چنین میلی را محرک فرمانروایان رومی برای کسب شهرت دانسته است.

در بخش‌های چهارم (۲۱-۱۴ متن اصلی و ۳۴-۲۶ ترجمه) پنجم (۲۵-۲۱ متن اصلی و ۳۹-۳۴ ترجمه) و ششم (۲۸-۲۵ متن اصلی و ۴۳-۳۹ ترجمه) از فصل اول نویسنده به شرح نسبتاً طولانی از لشکرکشی‌های سه امپراتور رومی لوکولوس، پمپئوس و مارکوس آنتونیوس می‌پردازد. این شرح طولانی هیچ کمکی به تقویت نظریه نویسنده در اثبات این که رومیان قصدشان از حمله به شرق به دست آوردن ثروت و قدرت بوده است، نمی‌کند. او در بخش چهارم با آوردن نظریاتی از سالوستیوس و پلوتارک نظر آدرین شروین-وایت (Adrian Sherwin-White) درباره این که لوکولوس از حمله به ارمنستان قصد شهرت‌طلبی نداشت را بدون استدلال مشخصی رد می‌کند و معتقد است هرچند طبق نظر شروین-وایت شواهد قوی وجود ندارد اما به احتمال هدف لوکولوس کسب شهرت بوده است (ص. ۱۹ متن اصلی و ص. ۳۲ ترجمه). در بخش پنجم پس از شرح تاریخچه حملات پمپئوس به ارمنستان، نویسنده با آوردن نظریات مگی و شروین وایت که هر دو معتقد هستند هدف پمپئوس کسب شهرت و اعتبار بود (Magie, 1950: 358-59; Sherwin-White 195-200) تلاش دارد نشان دهد که در این زمان سیاست امپراتوران روم کسب شهرت بوده است. او از میان دو تحلیل چارلزورث (Charlesworth, 1961: 58) و دوپواز (Debevoise 1938: 163-64, 204) از سویی و شروین وایت و مگی از سوی دیگر که در تحلیل اولی نویسندگان میل به در دست گرفتن راه‌های تجاری مسدودشده توسط پارتیان از طریق تسلط بر ارمنستان را دلیل حملات پمپئوس به ارمنستان دانسته‌اند و در دومی، میل به کسب شهرت پمپئوس عامل اصلی دانسته شده است بدون بحث مستدلی و تنها با استناد به اقوال شروین-وایت و مگی تحلیل دوم را انتخاب می‌کند. در بخش ششم، نویسنده به بررسی اهداف حمله کراسوس و سپس مارکوس آنتونیوس به پارت پرداخته است. باز هم پس از یک اشاره بی‌فایده به تاریخچه حملات این دو، ادعا می‌کند که در حمله کراسوس هیچ انگیزه دیگری جز شهرت‌طلبی نبود (ص. ۲۷ متن اصلی و ص. ۴۱

ترجمه) که این بار هم شاهد تبیین و تحلیل قابل قبولی در پشتیبانی از این ادعا توسط پوارو نیستیم و چیزی افزون بر آنچه که شروین-وایت و مگی پیشتر گفته‌اند، نمی‌بینیم. در همین بخش، پوارو به توضیح مختصری از لشکرکشی مارکوس آنتونیوس به پارت می‌پردازد اما هیچ نتیجه مشخصی از ارائه این تاریخچه نمی‌گیرد. خواننده در این بخش هم همچون بخش‌های پیشین، از نویسنده انتظار دارد که پس از آوردن این تاریخچه با ارائه استدلال ادعا کند که مارکوس آنتونیوس نیز از حمله به پارت انگیزه‌ای جز شهرت‌طلبی نداشته است؛ اما چنین اشاره‌ای در متن وجود ندارد. در عوض، در جمع‌بندی این فصل، نویسنده ادعا می‌کند رومیان که به‌ذات جنگ‌طلب بودند و هیچ چیز جز شهرت را معتبر نمی‌دانستند در این دوره نیز بر اساس همین انگیزه به شرق حمله می‌کردند (ص. ۲۹. متن اصلی و ص. ۴۴ ترجمه).

در توضیحات فصل دوم، نویسنده به شرح وضعیت روابط روم و اشکانیان در دوره یولیانی و کلودیانی می‌پردازد. طبق ادعای درست نویسنده متون رومی در این زمان به خصلت تهاجمی اشکانیان اشاره می‌کنند. این تبلیغات رومیان باعث رشد اشکانی‌هراسی مردم روم می‌شود اما به ادعای نویسنده این رشد ترس روم از اشکانیان موهوم و محصول تبلیغات امپراتوران رومی است. از نظر نویسنده در این دوره حتی امپراتور صلح‌طلبی همچون کلودیانوس نیز بی‌علاقه به کسب شهرت از طریق غارت سرزمین‌های دیگر نبود؛ زیرا از این طریق می‌توانست ژست سیاسی دلخواه خود را گرفته و به نحو مناسب‌تری به‌اجرای مانورهای سیاسی و نظامی در مناطق مورد مناقشه همچون ارمنستان بپردازد (ص. ۳۱-۳۲. متن اصلی و ص. ۴۶ ترجمه). در بخش اول این فصل، نویسنده به نقد منابع کلاسیک رومی می‌پردازد و این ادعای درست که طبق این منابع از زمان آگوستوس، اشکانیان به عنوان رقیب روم و جهان دیگر معرفی شده‌اند را مطرح می‌کند؛ اما این نکته را نیز یادآور می‌شود که در این متون به‌طور هم‌زمان از اشکانیان در نقش مهاجم و متجاوز و از رومیان در هیأت مدافع یاد شده است؛ هرچند طبق گفته نویسنده، این ادعا هم پوچ و بی‌اساس بوده است؛ زیرا اشکانیان از سال ۲۰ ق.م. به بعد هرگز به روم حمله‌ور نبوده‌اند (صص. ۳۱-۳۴. متن اصلی و ۴۷-۴۹ ترجمه). در بخش دوم این فصل، نویسنده تاریخچه روابط آگوستوس با اشکانیان را بررسی می‌کند. این بخش اشاره‌ای به انگیزه‌های مورد بحث ما از روابط آگوستوس و اشکانیان ندارد و تنها به ذکر این موضوع بسنده شده است که احتمال یا به دلیل مرگ گایوس یا هراس آگوستوس از تکرار نتیجه جنگ حران، وی

اقدام به جنگ نکرده است (صص. ۳۷-۳۸ متن اصلی و ص. ۵۲ ترجمه). در بخش سوم، نویسنده به بررسی دوران حکومت تیبریوس (صص. ۴۳-۳۹ متن اصلی و صص. ۵۸-۵۳ ترجمه) و در بخش چهارم به بررسی دوره حکومت کالیگولا و کلودیوس (صص. ۴۵-۴۳ متن اصلی و ۶۰-۵۸ ترجمه) و در بخش پنجم به بررسی دوره حکومت نرو (صص. ۴۵-۵۰ متن اصلی و صص. ۶۴-۶۰ ترجمه) پرداخته است. باز هم در این سه بخش یک تاریخچه بی‌فایده از روابط امپراتوران روم و اشکانیان می‌خوانیم و گویا نویسنده فراموش کرده است که هدفش از نوشتن این بخش نشان‌دادن شهرت‌طلبی امپراتور روم در حمله یا تلاش برای حمله به پارت بوده است. بخش آخر، نتیجه است. در این جا نویسنده با استناد به بخش‌های پیشین این فصل ادعا می‌کند که رومیان در این دوره با تهدید چندانی از سوی اشکانیان مواجه نشدند و اگر واقعاً احساس می‌کردند که چنین تهدیدی وجود دارد حتماً وارد عمل می‌شدند که نشدند؛ اما این تهدید را چه واقعی بدانیم یا خیالی باعث شد که امپراتوران روم غرق در شهرت و افتخار شوند. هر چند آگوستوس توسعه ارضی رومیان را خاتمه داده بود اما نتوانست مانع جاه‌طلبی آن‌ها شود (صص. ۵۲-۵۰ متن اصلی). در ترجمه نتیجه این بخش، چیزی نامربوط و بسیار خلاصه‌وار نوشته شده است که البته چنین تقطیع و خلاصه‌نویسی تنها مختص به این بخش از ترجمه نیست و دیگر بخش‌های کتاب را نیز دربرمی‌گیرد).

در فصل سوم ابتدا ذیل عنوان «اردوکشی تریانوس به پارت» توضیحاتی راجع به تاریخچه حمله تریانوس به پارت و اهمیت آن، مقایسه او و سایر امپراتورانی که به پارت حمله کردند و انگیزه‌های وی داده شده است (صص. ۵۶-۵۳ متن اصلی و صص. ۶۹-۶۶ ترجمه). ترجمه این بخش بدون عنوان است و مطالب آن به نتیجه فصل پیشین اضافه شده است). بخش اول این فصل با عنوان اوپتیموس پرنسپس آمده است که لقب تریانوس بود. در این بخش به شرح تاریخچه اردوکشی تریانوس به پارت پرداخته می‌شود (صص. ۶۱-۵۶ متن اصلی و صص. ۷۶-۶۹ ترجمه). تقریباً هیچ تحلیلی در این بخش با محوریت فرضیه نویسنده وجود ندارد. بخش دوم این فصل به بررسی آماده‌سازی‌های قبلی تریانوس برای حمله به پارت اختصاص یافته و در آن این سؤال مطرح می‌شود که آیا تریانوس از همان ابتدا در اندیشه فتح کل پارت بود یا نه؟ (صص. ۶۷-۶۱ متن اصلی و صص. ۸۳-۷۶ ترجمه). ترجمه این بخش فاقد عنوان است و در دنباله بخش پیشین آمده است). پوارو در این بخش به مقایسه نظرات لانگدن (Longden, 1931)، گویا

(Goey, 1937) و لپر (Lepper, 1948) درباره انگیزه یا انگیزه‌های تریانوس از حمله به پارت پس از تصرف ارمنستان می‌پردازد. از نظر لانگدن حمله تریانوس به بین‌النهرین کاری برنامه‌ریزی شده نبود و پس از تصرف ارمنستان به ذهن او رسید که چنین کاری را انجام دهد؛ زیرا در غیر این صورت پس از تخلیه ارمنستان، اشکانیان دوباره آن‌جا را از چنگ رومیان درمی‌آوردند و تریانوس برای اطمینان از استحکام ارمنستان تحت سلطه روم اقدام به تصرف بین‌النهرین کرد (Longden, 1931; 25-29). این نظریه البته مؤید و تقویت‌کننده نظریه دفاع از مرزهای روم یا سپر دفاعی ممزن و فرانک است. به باور گوی، هدف تریانوس از تصرف بین‌النهرین دستیابی به راه‌های تجاری بود که بیشتر در اختیار اشکانیان قرار داشت.^{۱۳} البته گوی تلاشی برای رد نظریه لانگدون نمی‌کند؛ اما پوارو معتقد است اگر نظریه گوی درست باشد در آن صورت باید پذیرفت که حمله تریانوس به بین‌النهرین و دژ پترا بر اساس برنامه‌ریزی قبلی انجام شده است (ص. ۶۴ متن اصلی و ص. ۷۹ ترجمه)؛ هرچند پوارو در این جا مخالف نظر لانگدن و گوی بوده و با ذکر دلایلی این نظریات را رد کرده است؛ در عوض او موافق نظریه لپر است. از نظر لپر تریانوس پیش از حمله به پارت زمینه‌چینی‌هایی را انجام داده بود و انگیزه اصلی او هم‌ترازی با اسکندر و کسب شهرت و اعتبار بود و اگر هم نظریه‌های اقتصادی یا سپردفاعی اهمیتی داشته باشد توجیه‌کننده انگیزه واقعی و اصلی تریانوس نیست (Lepper, 1948: 194-204). می‌توان این بخش را بهترین و قوی‌ترین بخش از پایان‌نامه پوارو دانست. در این بخش نظریات با استدلال محکم‌تری مقایسه، رد یا پذیرفته شده‌اند. بخش سوم با عنوان سقوط اشکانیان به رویدادهای دوران پایانی حکومت آنان می‌پردازد. در این جا پوارو باز هم با آوردن تاریخچه روابط روم و اشکانیان به ذکر داستان اشغال تیسفون در دو نوبت توسط سرداران رومی و سپس ظهور اردشیر ساسانی می‌پردازد. پوارو در این بخش اشاره‌ای به انگیزه‌های امپراتوران رومی از تهاجم به سرزمین اشکانیان در این بازه زمانی نکرده است اما به نکته دیگری اشاره نموده که می‌توان گفت خارج از حوزه تحقیق او بوده است. از نظر او شکست‌های پیاپی اشکانیان از رومیان و نومییدی ایالت‌های تحت سلطه اشکانی از حمایت اشکانیان در برابر تجاوزات رومیان باعث شد که حاکمان این ایالات به جای وفاداری به اشکانیان ترجیح دهند از یکی از نجیب‌زادگان شورشی پارس یعنی اردشیر حمایت کنند. به این ترتیب، طبق نظریه پوارو شهرت‌طلبی امپراتوران رومی به طور غیرمستقیم و ناخواسته باعث ظهور دشمنی در شرق شد که از قدرتی به مراتب بیشتر از

اشکانیان برخوردار بود. از آن پس رومیان از دخالت در امور ارمنستان عاجز شدند؛ زیرا از قدرت لازم برای مقابله با ساسانیان برخوردار نبودند (صص. ۷۴-۷۳ متن اصلی و صص. ۹۰-۸۹ ترجمه). به نظر می‌رسد برای اثبات این فرضیه نیاز به بحث و استدلال بیشتر و همه‌جانبه‌تری داریم که در پایان‌نامه پوارو دیده نمی‌شود. بخش چهارم این فصل، بخش نتیجه است. در این جا پوارو ادعا می‌کند که امپراتوران رومی پس از جنگ حران تمام تلاش خود را برای براندازی حکومت اشکانیان نمودند. این تلاش‌ها در کنار هجوم اقوام کوچ‌نشین به داخل پارت باعث فرسایش تدریجی این حکومت شد. رومیان تصرف ارمنستان را کلید دروازه پارت و به دست آوردن ثروت آن جا قلمداد می‌کردند. پس از تصرف ارمنستان راه ورود به پارت هموار شد و تریانوس توانست با پشت‌سرگذاشتن ارمنستان پایتخت پارت را تصرف کند (صص. ۷۵-۷۴ متن اصلی و ۹۲-۹۱ ترجمه). به این ترتیب پوارو در این جا به طور سربسته هدف تمام امپراتوران روم را تصرف پارت دانسته است؛ اما این نظریه چندان با نظریه انگیزه شهرت مورد حمایت وی سنخیت ندارد. در بخش پایانی یا سخن آخر (ص. ۷۶ متن اصلی و صص. ۹۴-۹۳ ترجمه) پایان‌نامه، پوارو هیچ اشاره‌ای به نظریه‌اش نکرده است و تنها ادعان دارد که رومیان مقصر سقوط اشکانیان به دست ساسانیان بوده‌اند؛ این نتیجه‌گیری در راستای پاسخ به مسئله پایان‌نامه پوارو نیست.

۶,۲ نقد و تحلیل روش‌شناسی اثر

پوارو در این نوشته تلاش کرده است تا برای نظریه هریس که اعتقاد داشت شهرت‌طلبی عامل اصلی تهاجم رومیان به سرزمین‌های شرقی بود شواهد تاریخی بیابد. او بخش عمده نوشته خود را به بازخوانی تاریخچه حملات رومیان به پارت از زمان لوکولوس به بعد تا زمان سقوط اشکانیان اختصاص داده و تلاش کرده است که لایه‌لای این نوشته‌ها شواهدی در تأیید نظریه خود بیابد؛ اما به نظر می‌رسد به جر مورد لشکرکشی تریانوس، در سایر موارد استدلال دندان‌گیری برای قانع کردن مخاطب خود ندارد. این نکته به هیچ وجه دلیلی بر مردود بودن نظریه او نیست؛ بلکه مطلب این است که نویسنده در پیشبرد هدف مدنظرش در تحقیق، به نحو بایسته‌ای موشکافی نکرده و در بسیاری موارد مطالبی زاید، بی‌فایده و غیرمرتبط با موضوع تحقیق خود را وارد نوشته‌ها کرده و گاه سررشته بحث را از دست داده است.

بخش زیادی از ترجمه اثر، گنگ و مبهم است؛ زیرا در بسیاری موارد معادل فارسی درستی جایگزین واژه‌های انگلیسی نشده است. فزون بر این، بدفهمی برخی مطالب نیز مزید بر علت است. مترجمان در ترجمه اثر روش خاصی را در پیش گرفته‌اند به طوری که اگر ترجمه را با اصل انگلیسی آن مقایسه کنیم درخواستی یافت در مواردی که مترجمان با تنگنا و دشواری مواجه شده‌اند از ترجمه متن صرف نظر کرده‌اند؛ حتی گاه واژه‌های لاتینی که برای عناوین بخش‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند^{۱۴} و ترجمه دشواری داشته‌اند، به کلی حذف شده‌اند و در بسیاری موارد، از پاراگراف‌هایی در متن انگلیسی چشم‌پوشی کرده‌اند. با این حال؛ برای این که پانوشت‌ها همراه با این بخش‌ها حذف نشود گاه شماره پانوشت داخل متن را به پاراگراف بعدی منتقل کرده‌اند در حالی که مطلب پانوشت متعلق به پاراگرافی بوده که حذف شده است؛ به طور مثال، در صفحه ۵۲ از ترجمه، خواننده هنگامی که پانوشت شماره ۸۲ را می‌خواند ارجاعاتی از اوید، پولیبیوس و سنکا می‌بیند، اما پس از رجوع به متن، با یک نظر شخصی و نتیجه‌گیری از سوی پوارو روبه‌رو می‌شود. هنگامی که به اصل کتاب مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که مترجمان یک پاراگراف را حذف کرده‌اند و شماره پانوشت متعلق به این پاراگراف را به پاراگراف بعدی انتقال داده‌اند تا ترتیب شماره‌های پانوشت‌ها بر هم نخورد. بخش‌هایی از متن هم که حذف نشده است عموماً ترجمه‌ای آزاد است. گاه این ترجمه آزاد که در بسیاری موارد خلاصه‌ای از متن انگلیسی است مفهوم مورد بحث را می‌رساند^{۱۵} و گاه چنان گنگ و مبهم است که هیچ چیز نمی‌توان از آن دریافت.^{۱۶}

۳. نتیجه‌گیری

این پایان‌نامه از نظر علمی اثری متوسط است که در آن تلاش شده است با استفاده از یک نظریه، کل تاریخ روابط روم و شرق توضیح داده شود. ترجمه دست‌وپا شکسته آن نیز ارزش علمی اثر را پایین‌تر آورده است؛ اما موضوع کتاب در ایران نسبتاً جدید است و وجود چنین آثاری با محوریت روابط ایران و روم، در آشنایی جامعه دانشگاهی ایران با مفهوم سیاسی خودی و غیرخودی در دوره اشکانی نقش بسزایی دارد. شناخت مفهوم خودی و غیرخودی در دوره اشکانی می‌تواند باعث تسهیل در شناخت تحول هویت ملی ایرانی در دوره اشکانی شود؛ موضوعی که امروزه بسیار مورد علاقه پژوهشگران تاریخ و باستان‌شناسی ایران باستان است.

۴. پیشنهادهای کاربردی

انتشار ترجمه‌هایی با این کیفیت نازل، ضعف و کاستی بزرگی برای ناشران است. با توجه به شاخه‌شاخه شدن رشته‌های علمی در دوران کنونی، نظارت بر کیفیت مطالب علمی شایسته چاپ به خصوص در ترجمه‌ها کار چندان آسانی نیست. برای حصول اطمینان از درستی انتخاب کتاب‌های شایسته ترجمه و کیفیت مترجمان مقتضی است نظارت بر آن به اشخاصی واجد صلاحیت در همان رشته و گرایش تفویض شود. برخی ناشران معتبر از سال‌ها پیش چنین رویه‌ای را در پیش گرفته‌اند و با انتخاب یک شخص یا هیئت نظارت بر انتخاب، ترجمه، ویرایش و چاپ کتاب‌های تخصصی بر کیفیت کار خود افزوده‌اند. به نظر می‌رسد جهت جلوگیری از انتخاب کتاب نامناسب یا ورود غش در ترجمه‌ها، اتخاذ چنین رویکردی الزامی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره جنگ حران نک. Shahbazi, 1990.
۲. منظور نویسنده شخص خاصی نیست بلکه اشاره به دو دوره امپراتوری در روم دارد.
۳. در اصل انگلیسی عنوان فصل سوم *Trajan's Parthian Campaign* اردوکشی تریانوس به پارت است و اوپتموس پرینسپس *Optimus Princeps* عنوان بخشی از فصل سوم است که در ترجمه به اشتباه جای عنوان فصل آمده است.
۴. این اصطلاح رومی به معنی «بهترین فرمانروا» به تریانوس امپراتور روم از سوی سنا اعطاشده‌بود.
5. https://digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1831&context=gradschool_theses
6. Lafayette شهری در بخش جنوبی ایالت لوئیزیانا
7. This is surprising that this unpublished dissertation was translated and published in Iran. It is not an outstanding work. John Poirot is a native of the USA, Louisiana. His name is not Polish. Poirot, the famous investigator in books, is Belgian. The pronunciation is as you wrote. I suppose that Mr. Poirot's job is not that of a professional historian. I do not know any of his other studies. He did not cite any articles by him in his PhD of 2014.
۸. در رساله قرار است که تنها تحولات سده اول میلادی بررسی شود اما در پایان، بحث به دلایل ظهور اردشیر پاپکان و رویکرد سیاسی و نظامی ساسانیان نیز می‌کشد! (Poirot, 2014: 292-297) یعنی دقیقاً همان نتایجی که در پایان‌نامه ارشد گرفته شده است (Poirot, 2003: 73-74).
۹. درباره شغل وی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما گویا شغلش با رشته تحصیلی وی ارتباطی ندارد.

۱۰. بیشتر کتاب‌هایی به فارسی ترجمه شدند که در آن‌ها به موضوع رویکرد رومی‌ها نسبت به شرق اشکانی پرداخته شده است. نک. ویسهوفر، ۱۳۸۹ که مجموعه‌ای از سخنرانی‌های اوست به ویژه مقاله "تصویرهای شرق از نگاه رومیان و تصویرهای غرب از نگاه پارتیان در دوره آگوست" در ص ۹۸. یا مقاله "دوست و دشمن: شرق در رم" در کتاب پارتیان از جلد دوم مجموعه ایده ایران (اشنایدر، ۱۳۹۳) و کتاب روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی (ویتتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۸-۱). اما در این کتاب‌ها و برخی کتاب‌های دیگر موضوع رویکرد رومی نسبت به شرق تنها موضوع آنها نبوده و فقط بخشی از مطالب کتاب‌ها به این موضوع اختصاص یافته است.

۱۱. رومیان بخش جنوبی رشته‌کوه قفقاز شامل گرجستان، ارمنستان و اران را ماروایا یا آن سوی قفقاز می‌نامیدند.

۱۲. غرض، نقد روش نویسنده است و گرنه هیچ بحثی درباره این که فرضیه ارائه شده درست یا نادرست است، نداریم.

۱۳. چارلزورث (Charlesworth, 1961: 58) و دوبواز (Debevoise 1938: 163-64, 204) مشابه این فرضیه را درباره لشکرکشی پمپوس به ارمنستان ارائه کرده‌اند. این نظریه قابل مقایسه با نظریه پورشریعتی درباره دلیل اولیه حمله اعراب به ایران در پایان دوره ساسانی است. از نظر پورشریعتی هدف اولیه اعراب از حمله به ایران دسترسی به راه‌های ارتباطی ایران با آسیای مرکزی با هدف استفاده از منافع تجاری آن بود (Pourshariati, 2008: 5)

۱۴. به طور مثال، واژه *Luxuria et Avaritia* در صفحه ۹ متن اصلی.

۱۵. به طور مثال، نتیجه صفحه ۹۲-۹۱ ترجمه قابل مقایسه با صفحه ۷۵-۷۴ متن اصلی.

۱۶. برای مثال، توضیح نظریه مترن در صفحه ۱۸ ترجمه فارسی برای خواننده قابل درک نیست. مقایسه شود با صفحه ۸ متن اصلی.

کتاب‌نامه

اشنایدر، رالف (۱۳۹۳). "دوست و دشمن: شرق در رم"، در پارتیان، گردآوری و ویرایش وستا سرخوش‌کرتیس و سارا استوارت، از مجموعه کتاب‌های مفهوم ایران (جلد دوم)، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز.

پویریت، ژوزف (۱۳۹۶). *مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان*، ترجمه رضاقاسمی و رضوان رضایی، تهران: نشر سمیرا.

ویسهوفر، ژوزف (۱۳۸۹). *ایرانیان یونانیان و رومیان نگاهی به دادوستد فرهنگی میان ایران و یونان و روم*، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: نشر فرزندانروز.

نقد کتاب مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان ۳۰۹

ویتر، انگلبرت و دیگناس، بئاته (۱۳۸۶). روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: فرزانه روز.

- Arnaud, P. (1993) "Frontiere et manipulation geogtaphique: Lucain, les Parthes et les Antipodes." In *La frontiere: Seminaire de recherche*, ed. Yves Roman. *Travaux de la Maisonde l'Orient 21*. Lyons: GDR-Maison de l'Orient, distributed by De Boccard: 45-56.
- Bowersock, G. (1984). "Augustus and the East: The Ptolem of Succession." In *Caesar Augustus: Seven Aspects*, ed. Fetgus Millar and Erich Segal. Oxford: Clarendon Press: 169—188
- Bruhl, A. (1930) "Le souvenir d'Alexandre le Grand et les Romains," *Melanges d'Archeologie et d'Histoire* 47, no. 1-5: 202-221.
- Charlesworth, M. P. (1961) *Trade Routes and Commerce of the Roman Empire*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ceaujcsu, P. (1974) "La double image d'Alexandre le Grand a Rome," *Studi Clasice* (Bucharest) 16: 153-168.
- Debevoise, N. C. (1938) *A Political History of Parthia*. Chicago: University of Chicago Press.
- Frezouls, E. (1995) "Les relations romano-parrhes avant l'epoque flavienne." In *Les relations intemationales: Actes du Colloque de Strasbourg, 15-17 juin 1993*, ed. Edmond Frezouls and A. Jacquemin. Univetsite des rechses de Strasbourg: Travaux du Centre de Recherches sur le Proche-Orient et la Grece Antiques 13. Paris; distributed by De Boccard: 479—498.
- Guey, J. (1937) *Essai sur la guerre parthique de Trajan (114-117)*. Bucharest: Bibliotheque d'Istros,.
- Harris W. (1979), *War and Imperialism in Republican Rome, 327-70 BC*, Oxford: Clarendon Press.
- Isaac, B. (1990), *The Limits of Empire*, Oxford: Clarendon Press.
- Kienast, D. (1969) "Augustus und Alexander," *Gymnasium* (Heidelberg) 76, no. 5: 430-456.
- Kienast, D (1990). *Romische KaisertaheUe: Grurultige einer romischen Kaiserchronologie*. Darmsradt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft,.
- Lepper, F. A. (1948) *Trajan's Parthian War*. Westport, Connecticut: Greenwood Press.
- Longden, R. P. (1931) "Notes on the Parthian Campaigns of Trajan." *The Journal of Roman Studies* 21: 1-35.
- Lightfoot, C. S. (1990) "Trajan's Parthian War and the Fourth-century Perspective," *Journal of Roman Studies* 80: 115-126.
- Luttwak, E. (1976) *Grand Strategy of the Roman Empire: From the First Century AD to the Third*. Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.
- Magie, D. (1950), *Roman Rule in Asia Minor*. Princeton: Princeton University Press.
- Mattern S. (1999), *Rome and the Enemy*, Berkeley: University of California Press.
- Mommsen, T. (1903), *The History of Rome. Vol. II*. Trans. by William Dickson. New York: Charles Scribner's Sons.

- Poirot, J. J. (2003). "Perceptions of classical Armenia: Romano-Parthian, relations, 70 BC-AD 220." *Louisiana State University (LSU) Master's Theses*. Available at: https://digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1831&context=gradschool_theses
- Poirot, J. J. (2014). "The Romano-Parthian Cold War: Julio-Claudian Foreign Policy in the First Century CE and Tacitus' *Annales*." *Louisiana State University (LSU) Doctoral Dissertations*. Available at: digitalcommons.lsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=4833&context=gradschool_dissertations
- Pourshariati, P. (2008), *Decline and Fall of the Sasanian Empire: The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*. London and New York: IB Tauris.
- Shahbazi, A. S. (1990) "Carrhae," *Encyclopædia Iranica*, Vol.V, Fasc. : 9-13.
- Schneider, R. (1986) *Barbaren: Orientalstatuen aus farhigem Marmor in der romischen Repräsentationkunst*. Worms: Wemersche Verlagsgesellschaft Worms.
- Schneider, R. (1998). "Die Faszination des Feindes: Bilder der Parther und des Orients in Rom." In *Das Partherreich und seine Zeugnisse: Beitrage des internationalen Colloquiums, Eutin (27. - 30. Juni 1996)*, ed. Josef Wiesehofer. Stuttgart: Fanz Steiner Verlag: 95-127.
- Sherwin-White, A. N. (1983), *Roman Foreign Policy in the East: 168 BC-AD 1*: University of Oklahoma Press.
- Sonnabend, H. (1986). *Fremdbild und Politik. Vorstellungen der Römer von Agypten und dem Partherreich in der späten Republik und frühen Kaiserzeit*. Europäische Hochschulschriften, Reihe III Geschichte und ihre Hilfswissenschaften, Band 286. Frankfurt am Main.
- Spawforth, A. (1994) "Symbol of Unity? The Persian-Wars Tradition in the Roman Empire." In *Greek Historiography*, ed. Simon Hornblower. Oxford: Clarendon Press: 233-269.
- Weippert, O. (1972). "Alexandert-imitatio und römische Politik in republikanischer Zeit." *PhD. Universität zu Augsburg*.
- Wheeler, E. (1991) "Rethinking the Upper Euphrates Frontier: Where Was the Western Border of Armenia?" In *Roman Frontier Studies 1989: Proceedings of the XVth International Congress of Roman Frontier Studies*, ed. Valerie A. Maxfield and Michael J. Dobson. Exeter: University of Exeter Press: 505-511.
- Wheeler, E. (1997) "Why the Romans Can't Defeat the Parthians: Julianus Africanus and the Strategy of Magic." In *Roman Frontier Studies 1995: Proceedings of the XVIth International Congress of Roman Frontier Studies*, ed. W. Groenman-van Waateringe, B. L. van Beek, W. J. H. Willems, and S. L. Wynia. Oxford: Oxbow, 575-579
- Wheeler, E. (2002) "Roman Treaties with Parthia: Volkerrecht or Power Politics." In *Limes XVI: Proceedings of the XVIIIth International Congress of Roman Frontier Studies held in Amman, Jordan (September 2000)*. 2 vols. Vol. I, ed. Philip Freeman, Juhan Benett, Zbigniew T. Fienna, and Birgitta Hoffmann. BAR International Series. Oxford: Archaeopress: 287-292.
- Whittaker, C. R. (1996) "Where Are the Frontiers Now?" In *The Roman Army in the East*, ed. David L. Kennedy. *Journal of Roman Archaeology—Supplementary Series, no. 18*. Ann Arbor, Mich.: *Journal of Roman Archaeology*: 25-41.

نقد کتاب مشاهداتی از ارمنستان باستانی و روابط اشکانیان و رومیان ۳۱۱

Wirth, G. (1975) "Alexander und Rom." In *Alexandre le Grand: Image et realite*, ed. Olivier Reverdin. *Enttetiens sur l'antiquite classique*. Tome XXII. Vandoeuvres-Geneve: Fondarion Hardt: 181-210.

Wirth, G. (1980—81) "Rom, Parther und Sassaniden: Erwagungen zu den Hintetgründen eines historischen Wechselverhältnisses," *Ancient Society* 11-12: 305-347.

